

درباره تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن

مردم ما امسال در شرایطی سی و یکمین سالگرد قیام پرشکوه ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ را گرامی داشتند که با خیزش بزرگ شان در ۸ ماه گذشته رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی را با بحران سیاسی بزرگی مواجه ساخته اند. سردمداران جمهوری اسلامی تاکنون برای مقابله با این بحران و سرکوب مردمی که با تداوم اعتراضات خود خواب را از چشم آنها ربوده اند از هیچ ترفندی فرو گذاری نکرده اند. آن ها در ۲۲ بهمن با بسیج حداکثری نیروهای سرکوب خود و سازمان دهی یک تجمع فرمایشی که به اعتبار قدرت دولتی و صرف میلیارد ها تومان هزینه از "بیت المال" ممکن گردید، تلاش کردند که چنین جلوه دهند که مردم در پاسخ به درخواست آن ها و به خاطر اعتقاد به جمهوری اسلامی بطور "خود جوش" به خیابان می آیند تا بتوانند این امر را نتیجه پایگاه مردمی شان جا بزنند. اما خود مردم ایران خوب می دانند که چه کسانی و در نتیجه با چه حيله ها و ترفند هایی به آن میدان آورده شدند ، کسانی هم که از نزدیک شاهد اوضاع نبودند با دیدن فیلم هایی که از این تجمع دولتی گرفته شده است و مشاهده انبوه اتوبوس هایی که بسیجیان و عناصر ناآگاه را از اقصی نقاط کشور برای این نمایش مسخره به تهران آورده بودند با روشنی متوجه شدند که دیکتاتوری حاکم در رسیدن به هدف خود با شکست مواجه شده است. البته دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی که همیشه سپاه را سفید و شب را روز جلوه می دهد تلاش کرد با ده برابر کردن ارقام تعداد شرکت کنندگان در این نمایش مسخره ، شکست خود در ۲۲ بهمن را ماست مالی کرده و حتی آن را یک پیروزی جا بزند. ناتوانی رژیم در کشاندن مردم به تجمع دولتی ۲۲ بهمن در شرایطی با برجستگی هر چه بیشتر خود را به نمایش می گذارد که همگان دیده و شاهد بودند که اصلاح طلبان حکومتی و افرادی همچون خاتمی ، موسوی و کروبی در کرنش به خواستهای ولی فقیه از هواداران خود خواسته بودند که در این "تظاهرات رسمی" شرکت کنند. بنابراین شکست تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن شکست اصلاح طلبان حکومتی هم هست که حال ریاکارانه در تلاش اند تا ضمن ابراز چند انتقاد آبیکی به دارو دسته حاکم نقش خود را در این جریان لاپوشانی کرده و پای خود را از این رسوائی بیرون بکشند.

رویداد های ۲۲ بهمن سال ۸۸ را از زوایای مختلفی می توان و باید مورد بررسی قرار داد اما شاید یکی از نکات برجسته آن افشای هر چه بیشتر چهره اصلاح طلبان حکومتی باشد که در جریان اعتراضات ماه های اخیر در تلاش بودند تا در صفوف مردم نفوذ کرده و مبارزات آنها را در چهارچوب اختلافات طبقه حاکمه به کجراه ببرند. با توجه به این واقعیت که در ۶ دی ماه ، مردم تهران ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را در لحظاتی و در مناطقی از نفس انداختند ، سران هر دو جناح حکومت از این که مردم وضعیت مبارزاتی ۶ دی را در ۲۲ بهمن نیز تکرار کنند ، شدیداً در هراس و وحشت بصری بردند. از این رو سردمداران جمهوری اسلامی با تکیه بر خطری که تمامیت نظام را تهدید می کند با بسیج صد در صدی نیروی سرکوب خود و جلب همکاری اصلاح طلبان حکومتی سعی نمودند تا اعتراضات توده ها در این روز را در نطفه خفه نمایند. در این راستا اصلاح طلبان حکومتی بر علیه مردمی که با شعارهای سرنگونی و اقدامات سلحشورانه ساختار شکنانه در ۶ دی در میدان مبارزه بودند ، به یاره سرائی پرداخته و به هواداران خود رهنمود دادند که در "تظاهرات رسمی" ۲۲ بهمن شرکت کنند. به این ترتیب آنها بار دیگر علناً به زیر قبای خامنه ای رفته و یک بار دیگر به همگان نشان دادند وقتی که نظام و جمهوری اسلامی را در خطر ببینند در پابوسی علنی ولی فقیه تردید نمی کنند. اما علیرغم همه تلاش جناح در قدرت و اصلاح طلبان ، اکثریت مردم با عدم شرکت در تجمع رسمی نشان دادند که خواهان نابودی تمامیت جمهوری اسلامی می باشند؛ و در عین حال با عدم تبعیت از رهنمود های اصلاح طلبان برای شرکت در مراسم دولتی ۲۲ بهمن بار دیگر نشان دادند که اعتقادی به اصلاح طلبان که در ۸ سال ریاست جمهوری خاتمی به همه ثابت کرده اند دشمنان به دم ولی فقیه بسته و جز مجری گوش به فرمان "حکم حکومتی" وی نمی باشند ، ندارند ، و نه تنها سیاست ها ، برنامه ها و گذشته ننگین اصلاح طلبان را شناخته و بر همین مبنا برای رهنمود های آنها تره هم خرد نمیکنند بلکه علیرغم همه تحلیل های نادرست و تبلیغات فریبکارانه ، خواهان نابودی کلیت رژیم می باشند و برای این منظور مصمم اند در حالی که از تضاد های درونی حاکمیت به نفع خود سود می جویند ، خط مستقل خود را برای نابودی جمهوری اسلامی به پیش ببرند.

واقعیت فوق ، در حوادثی که در برخی از محله های تهران از جمله صادقیه و یک سری از شهرهای کشور از جمله اصفهان و تبریز رخ داد با وضوح تمام نشان داده شد. در این مناطق در موقعیتی که نیروی سرکوب به هیچ معترضی اجازه تجمع نمی داد و با مشاهده کوچکترین حرکتی مردم را با خشونت تمام دستگیر می کرد ، باز هم شاهد تظاهرات ضد دولتی بودیم. امری که هم عریده کشی های ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را رسوا نمود و هم شکست تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن را با وضوح بیشتری به نمایش گذاشت. در شرایطی که خود جناح های درونی جمهوری اسلامی جهت نشان دادن گستردگی حضور نیروی سرکوب در سطح شهرها و به ویژه در تهران از اصطلاح "پادگانی" کردن شهرها استفاده می کنند ، درگیری مردم با نیروهای مسلح رژیم در تعدادی از شهرهای کشور و برخی محلات شهر تهران نشان داد که خیزش توده ها علیرغم فقدان رهبری هنوز تداوم داشته و از پتانسیل بزرگی برخوردار می باشد.

ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی ، هم نوا با رسانه های امپریالیستی در تلاش بوده و هست تا نشان دهد که آن چه در خیابان ها می گذرد تحت رهبری اصلاح طلبان حکومتی می باشد ، و به این دلیل نیز از جنبش توده های جان به لب رسیده ایران به عنوان "جنبش سبز" نام برده و می برند. این موضوع باعث شده که برخی تحت تاثیر چنان تبلیغات دروغینی این سخن کمونیست ها و نیرو های انقلابی را باور نکنند که خیزش اخیر جنبشی خود جوش و فاقد رهبری است. اما وقایع اتفاق افتاده در ۲۲ بهمن نیز به نوبه خود مهر تأیید بر واقعیت فوق زد. در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی رسماً از هواداران خود خواسته بودند که در تظاهرات دولتی و رسمی شرکت کرده و شعارهای دولتی را سر دهند و از برخورد با نیرو های انتظامی بپرهیزند ، همگان دیدند که توده ها علیرغم این رهنمود در برخی از محلات تهران و برخی از شهرها در تقابل با تظاهرات رسمی بیخاسته و بر علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. این امر به نوبه خود یک بار دیگر نشان داد که حنا چینی تبلیغاتی رنگی ندارد و این ادعای پوچی است که گویا مردم زیر پرچم سبز اصلاح طلبان حکومتی به میدان می آیند.

این درست است که سردمداران دیکتاتوری حاکم با بسیج صد در صدی نیرو های خود و اعمال یک حکومت نظامی اعلام نشده عملاً توانستند از تبدیل تظاهرات ۲۲ بهمن به ۶ دی دیگری جلوگیری کنند ، اما این موفقیت به اعتبار رسوائی تمام عیار آن ها و نشان داده شدن بی اعتباری هرچه بیشتر اصلاح طلبان حکومتی به مثابه سوپاپ اطمینان رژیم و "نجات غریق" جمهوری اسلامی به دست آمد. آن هم در شرایطی که کشتی ولایت فقیه در درون امواج طوفانی اعتراضات مردمی بیش از هر وقت دیگر به "نجات غریق" احتیاج دارد. بنابراین تظاهرات ۲۲ بهمن از هر زاویه شکستی برای جمهوری اسلامی بود که می کوشد با تکیه بر کرنش های اصلاح طلبان حکومتی ، مردم را مایوس و چنین جلوه دهد که خیزش توده ها بدون دستیابی به نتایج دلخواه خود به پایان رسیده است. علیرغم این تبلیغات کاذب ، واقعیت این است که مبارزات توده ها تا سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی ادامه یافته و مردم نشان داده اند تا نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته از پای نخواهند نشست.